

آموزش شهروندی و خلاقیت در سیما و منظر شهر

حسین فرهنگي

دکتری DBA مدیریت شهری، رییس اداره برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری منطقه یک تبریز.

(نویسنده مسئول)

h.farhangi1356@gmail.com

امیر برجسته امامیه

دکتری DBA مدیریت شهری، رییس اداره خدمات شهری معاونت محیط زیست و خدمات شهری شهرداری تبریز.

amirbarjaste.emadreja@gmail.com

چکیده

مدرسه از مهمترین مکان هایی است که به واسطه آن و با یک برنامه ریزی درست و حساب شده می توان مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی را به دانش آموزان آموزش داد. اهمیت آن به حدی است که از آن به خانواده دوم یاد کرده اند. مسأله خلاقیت، از منظرهای مختلفی نگریسته شده است. خلاقیت به عنوان یک مسأله آموزشی، به مثابه یک مسأله ی انگیزشی و به عنوان شرط بقا در عصر فراصنعت، مورد توجه و عنایت محققان و برنامه ریزان جامعه قرار گرفته است. اما با وجود وجوه به ظاهر متفاوت و متنوع خلاقیت، در چشم اندازی کلان نگر، ابعاد پیش گفته، در وفاق با یکدیگر قرار داشته، می توان از منظر واحدی بدان نگریست. یکی از مسائل مهمی که در رابطه با مفهوم شهروند و شهروندی وجود دارد این است که چگونه می توان آن را تعلیم و آموزش داد تا بر اساس آن شاهد اجرای صحیح آن در جامعه و شناخت وظایف و تکالیف مبتنی بر آن بود. در این رابطه صاحب نظران مدرسه را بهترین مکان برای آموزش و تعلیم این مقوله می دانند. از این رو، در ادامه پس از پرداختن به موارد مزبور، مسأله چگونگی آموزش خلاقیت، مورد بررسی قرار خواهد گرفت در این مقاله به روش کتابخانه ای مروری بر نقش آموزش شهروندی بر خلاقیت در سیما و منظر شهر خواهیم داشت.

واژگان کلیدی: خلاقیت، آموزش شهروندی، سیما و منظر شهر، اهمیت آموزش.

مقدمه

حضور نداشتن مردم در فضاهای جمعی از علل مهم کاهش حیات اجتماعی و احساس تعلق ساکنان است. به نظر می رسد کاهش حضور شهروندان در این فضاها ناشی از نبود محیط مناسب و فقدان کیفیت منظر شهری است. افزایش کیفیت فضاهای شهری و طراحی مناسب منظر شهری شاید بتواند زمینه حضور ساکنان را در سطح شهر فراهم سازد و شهروندان در این فضاها حضور یابند. در نتیجه سرزندگی و نشاط ناشی از حضور شهروندان در رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه و احساس هویت شهروندی و مکانی مؤثر خواهد بود؛ بنابراین منظر شهری می تواند به عنوان عاملی مهم در حیات اجتماعی شهرها بررسی شود. اصلی ترین عامل تعیین کننده منظر شهری مسیرها هستند که به واسطه چگونگی ارتباطشان با یکدیگر، وضوح و خوانایی، شکل ظاهری شان و تجهیزات و علائم ترافیکی موجود در آنها، ویژگی بصری متفاوتی را ارائه می دهند. در واقع

"مسیر" عنصری ذهنی است که شهروند از شبکه حرکتی و ترددی شهر خود دارد. به همین دلیل "مسیرها" شاخص ترین و مهمترین عناصر در تصویرذهنی شهروندان هستند. تصویر ذهنی، ذهنیتی است که از طریق ادراک و پردازش منظر در ذهن انسان ایجاد می شود (ناظمی و همکاران، ۱۴۰۰).

امروزه برنامه ریزی شهری پایدار مبتنی بر توسعه مفاهیمی که در جهت دستیابی هرچه بیشتر شهروندان به رفاه اجتماعی است، می باشد که سلامت روحی و روانی شهروندان نیز از جمله این رفاه محسوب می شود. یکی از مسائل مهمی که در رابطه با مفهوم شهروند و شهروندی وجود دارد این است که چگونه می توان آن را تعلیم و آموزش داد تا بر اساس آن شاهد اجرای صحیح آن در جامعه و شناخت وظایف و تکالیف مبتنی بر آن بود. در این رابطه صاحب نظران مدرسه را بهترین مکان برای آموزش و تعلیم این مقوله می دانند. آنها معتقدند چون مدرسه بعد از خانه دومین محیطی است که کودکان و نوجوانان قسمت اعظم وقت خود را در آن سپری می کنند و نقش مهمی در رشد شخصیت و انتقال دانش و مهارت های زندگی به آنها دارد، در نتیجه آشنایی با شهروند و شهروندی نیز از جمله مهارت هایی است که در مدرسه باید آموزش داده شود و دانش آموزان رده های مختلف تحصیلی باید حقوق، تکالیف و مسئولیت های شهروندی را در مدرسه فرا بگیرند؛ به عبارت دیگر گنجاندن مطالب مهم و ضروری در مورد حقوق شهروندی براساس اصول و قواعد در برنامه درسی و کاربردی ساختن آنها توسط نظام آموزش و پرورش حاکم بر هر کشوری، افراد متعهد و مسئول و آگاه را پرورش خواهد داد که خواهند توانست نظام نماینده - شهروند را (که نظامی عادل و قانونمند است) بنا نهند؛ نظامی که افراد جامعه در آن حق آزادی، حق مشارکت، حق انتخاب و... را داشته باشند. برخی از صاحب نظران نیز ضرورت آموزش شهروندی را پرورش قابلیت هایی در فرد که با افراد دیگر جامعه همزیستی اجتماعی سالمی پیدا کنند می دانند. در واقع فرد با آموزش هایی که در زمینه ی حقوق شهروندی از طریق نظام آموزشی و مدارس دریافت می کنند به فردی مستقل که دارای حس مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی رشد یافته ای باشد تبدیل شود و عضو سودمندی برای جامعه گردد. به همین دلیل آشنا شدن با این حقوق و ضرورت آموزش آنها به شهروندان، مزایای زیادی می تواند داشته باشد (ناظمی و همکاران، ۱۴۰۰)، بنابراین آموزش حقوق شهروندی در مدارس ضرورت پیدا خواهد کرد؛ بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر مروری بر نقش آموزش شهروندی بر خلاقیت در سیما و منظر شهر است.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

خلاقیت

در زمینه خلاقیت، تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده است. خلاقیت واژه ای عربی است که ریشه آن «خلق» به معنی آفریدن است. در لغت نامه دهخدا، خلاقیت به معنای خلق کردن و به وجود آوردن است و فرد خلاق شخصی است که دارای عقاید نو باشد (محمودی، ۱۳۹۲).

خلاقیت یا آفرینش برگردانی از واژه ی «Creativity» معنای پدید آوردن چیزی از چیز دیگر به گونه ای منحصر به فرد است؛ به عبارت دیگر، خلاقیت به معنی کم یا زیاد کردن یک پدیده و تغییر شکل دادن و یا ترکیب کردن آن با سایر پدیده ها، اشیا یا چیزها است. خلاقیت، به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم دید است. خلاقیت عبارت است از به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید. خلاقیت یعنی ارائه ی فکر و طرح نوین برای بهبود و ارتقاء کمیت یا کیفیت فعالیت های سازمان؛ مثلاً افزایش بهره وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه ها،

تولیدات یا خدمات از روش بهتر، تولیدات یا خدمات جدید و غیره. خلاقیت، آفرینش آمیزه ای بدیع برای حل تناقضات، در قالب یک ایده است که خارج از محدوده جواب موجود قرار می گیرد. خلاقیت ارائه کیفیت های تازه ای از مفاهیم و معانی است. خلاقیت، شکل دادن تجربه ها در سازمان بندی های تازه است. خلاقیت عبارت است از به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید (صائب نیا، ۱۳۹۷).

در فرهنگ لغت آریانپور خلاقیت و نوآوری را به وجود آوردن، تولید کردن و موجب شدن معنی کرده اند. خلاقیت و نوآوری عبارت است از ترکیب، تجمع و تلفیق عناصر موجود در صور نوین (وان فانزه، اوژن، خلاقیت در صنعت و فن، ترجمه حسن نعمتی، امیر کبیر، ۱۳۶۴ ص ۱۹).

خلاقیت و نوآوری به معنای پدید آوردن ترکیب هایی از هر نوع اعم از کارهای هنری، ترفندهای مکانیکی و...، آثاری که اساساً جدید بوده و از نظر پدیدآورندگان قبلاً ناشناخته بوده اند، همچنین خلاقیت و نوآوری به منزله ظرفیت دیدن روابط جدید، پدیدآوردن اندیشه های غیر معمول و فاصله گرفتن از الگوهای سنتی تفکر قلمداد شده است (منصور، محمود، گستره کنونی خلاقیت و نوآوری، مجله استعدادهای درخشان، سال دوم شماره ۱، تابستان ۱۳۷۲).

خلاقیت و نوآوری عبارت است از نشان دادن عمل یا رفتار یا توانایی خلاق به طور کلی، عمل خلاقه یعنی ارائه یک راه حل مناسب برای مسایل و مشکلات (فرنودیان، ۱۳۶۸).

آموزش شهروندی

شهروند به نقل از آشوری (۱۳۷۳: ۲۲۱) فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف هایی به عهده دارد. یا به تعبیر گیدنز؛ به عضو یک اجتماع سیاسی که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است (به نقل از حقیقی، ۱۳۶۵). همچنین وی برای حقوق شهروندی تعاریف زیر را عنوان نموده است.

آنتونی گیدنز: حقوق مدنی را حقوق قانونی همه ی شهروندانی می داند که در اجتماع ملی معینی زندگی می کنند (۱۳۶۷: ۷۹۵).

تی. اچ. مارشال (۱۳۷۳) سه نوع حق در ارتباط با رشد شهروندی تشخیص داده است:

- حقوق مدنی: به حقوق فرد در قانون اطلاق م ی شود. این حقوق شامل امتیازاتی است که بسیاری از ما امروز آن را بدیهی می دانیم اما بدست آوردن آنها زمانی دراز طول می کشید. حقوق مدنی شامل: آزادی افراد برای زندگی در هر جایی که انتخاب می کنند، آزادی بیان و مذاهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.
- حقوق سیاسی: به ویژه حق شرکت در انتخاب شدن، رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می شود. این حقوق شامل، مزایای بهداشتی و درمانی، تامین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد است.

از آنجا که آموزش شهروندی برای آماده کردن دانش آموزان و افراد از نظر دانش کافی و درک تاریخ ملی و ساختارهای زندگی سیاسی و مدنی تلاش می کند، متوجه خواهیم شد که آموزش شهروندی تنها به آموزش ای مدرسه ای محدود نمی شود بلکه باید درون خانواده، مدرسه، جامعه و محل کار و به وسیله ی سایر نهادها و بنیادهای اجتماعی به صورت آموزش تا پایان عمر افراد ارائه شود (آقازاده، ۱۳۸۵).

یو و فنگ نیز معتقدند که بر پایه لیبرالیسم و شخصی گرایی، حقوق فردی یکی از دو بعد آموزش و پرورش شهروندی است در حالی که التزام (وظیفه) به عنوان نتیجه میهن پرستی بعد دیگر آموزش و پرورش شهروندی می باشد (یو و فنگ، ۲۰۱۰). در پژوهشی که دکتر لویسی شهیدی (۱۳۸۵) با عنوان نوآوری در آموزش، زندگی به شیوه شهروندی را چگونه می توان آموخت، مطالبی در مورد حقوق شهروندی و آموزش آن آورده است. وی در ابتدا سه نوع حقوق اصلی را که حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اجتماعی - اقتصادی می باشد را مطرح کرده که امروزه به منزله ی یک امرجهانی تلقی شده که قابل تفکیک می باشند و از نظر اخلاقی سودمند و قابل بهره وری هستند. چنانکه می نویسد:

اولین دسته ی این حقوق (حقوق مدنی)، آزادی های زیر را شامل می شود، آزادی فردی، آزادی افکار و اعتقادات، آزادی بیان، آزادی تحرک، برخورداری از قانونمندی و عدالت.

دسته ی دوم (حقوق سیاسی): شامل آن دسته از آزادی های فردی است که می تواند یکی از اجتماعات یا احزاب سیاسی وابسته باشد. همچنین با انتخابات رهبران و کنترل سیاسی و قضایی در راه تمرین قدرت مشارکت کند.

دسته ی سوم (حقوق اجتماعی - اقتصادی): عبارتند از امنیت جانی، امنیت مالی، همچنین دارا بودن حق زندگی به مانند یک فرد متمدن و برخورداری از حق آموزشی و تحصیل، عدالت اجتماعی و اقتصادی.

آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان مقاله ی دیگری است که توسط دکتر حسین لطف آبادی در سال ۱۳۸۵ نوشته شده است. وی در مقاله ی خود به مواردی از جمله معنای شهروندی، آموزش شهروندی در مدرسه و آموزش فلسفه و روش تفکر درست شهروندی پرداخته است.

آموزش شهروندی

آموزش شهروندی عبارت از رشد و پرورش دادن ظرفیت های افراد و گروهها برای مشارکت و تصمیم گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. این آموزشها شامل حقوق انسانی، رشد مستمر و همه جانبه، اخلاق و ارزش ها، صلح و مسالمت جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوتهاست.

از آنجا که رسانه های عمومی (تلویزیون، رادیو، اینترنت، روزنامه ها و مجلات) نقش مهمی در شکل گیری و تغییر نگرش و اندیشه و رفتار شهروندان دارند و ممکن است حقوق انسانی آنان را مخدوش کنند و از آنجایی که این کار در همه جای جهان صورت می گیرد، آموزش و شناخت روش ها و عملکردهای رسانه ها و چگونگی اطلاع رسانی درست و نادرست و قضاوت عینی در قبال رسانه ها ضرورت می یابد. در مورد دانش و هنرها نیز که در عصر کنونی تأثیر عظیمی بر بینش و نگرش و رفتار شهروندان، به ویژه کودکان و نوجوانان و جوانان دارند لازم است آموزش های کافی به دانش آموزان داده شود.

از آنجا که شهروندی یک فرایند مر بوط به تمام عمر است. همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش های متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. دانش آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست از جهان آموزش ببینند، در تمام تصمیم گیریهای مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کنند تا شهروندانی مسئول، مشارکت کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه مند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. وقتی که دانش آموزان به

سن نوجوانی و جوانی می رسند مدرسه باید به آنان بیاموزد که چگونه یک زندگی مستقل برای خود ایجاد کنند و علاوه بر مهارت‌های ضروری، مشاوره و آموزش الزم در زمینه ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل، استقلال یافتن از خانواده، مدیریت امور مالی خود و آشنایی با قوانین و برقراری ارتباط با ادارات و مسئولان دولتی به آنان آموزش دهد. نوجوانان و جوانان نیازمند ترکیب پیچیده‌ای از شایستگی‌های فکری و رفتاری و مهارت‌های گوناگون نظری و عملی برای آغاز زندگی مستقل خود هستند و مدرسه باید نقش خود در کمک به آنان را در این امور پیچیده ایفا کند تا بتوانند به زندگی اجتماعی وارد شوند و نقش مستقل خود به عنوان یک شهروند مسئول را ایفا کنند.

دلایل ضرورت آموزش حقوق شهروندی

با ذکر مولفه‌های حقوق شهروندی می توان به ضرورت آموزش حقوق شهروندی در مدارس پی برد. برخی از مولفه‌های حقوق شهروندی موارد زیر را شامل می شود: حق آزادی و اظهار نظر، امنیت فردی، آزادی مهاجرت، آزادی اجتماعات، بر خورداری از محیط زیست سالم، بر خورداری از تسهیلات آموزشی بدون تبعیض، تعهدات دولت به مشورت با جامعه، احترام به عقاید همه، برابری انسانها، ضرورت اشتغال زایی و آموزش برای مردم محلی، آزادی انتخاب و شغل، حق رای دادن و نامزد شدن در انتخابات و ... می بینیم که هر کدام از این مولفه‌ها حق آزادی و اظهار نظر به فرد می دهند؛ یعنی اینکه فرد می تواند اختیار بیشتری در سیاست گذاری دولت داشته باشد و در این صورت احتمال انعکاس خواسته‌ها و آرزوهای مردم بیشتر می شود. این مردم عادی هستند که نتایج سیاست‌های دولت را عملاً لمس می کنند و تنها اگر مجراهایی کارآمد و منسجم برای فشار آوردن و تاثیر گذاری از پایین وجود داشته باشد، دولت نیز نتایج واقعی عملکردهای خود را منعکس می کند. در کشورهایی که برای شهروندانشان ارزش ویژه‌ای قائل هستند، رسیدگی به خسارات ناشی از تصمیمات غیر قانونی دولت از طریق دادگاه‌ها صورت می پذیرد. در مواردی نیز که سوءمدیریتی (مثل غفلت آنان از مسائل، تأخیر در انجام وظایف یا تمایل به خود رأیی) وجود دارد نیز می توان از نمایندگان منتخب در خواست رسیدگی و اصلاح امور را کرد. برای مثال نهادهایی به نام " منشور شهروند " تاسیس شده است که از طریق آن خساراتی که در نتیجه عدم توجه به معیارهای مشخص از سوی دولت بر مردم تحمیل شده است جبران می شود. « آمبودزمن » نیز به عنوان یک مقام مملکتی است که مرجع شکایات مردم علیه سازمان‌های رسمی و عمومی به حساب می آید. آمبودزمن در کشورهای دانمارک، فنلاند، نروژ سوئد، بریتانیا و فرانسه وجود دارد. در ضمن کشور زلاندنو هم دارای چنین مقامی در دستگاه اداری خود می باشد (بیتهم و بویل، ۱۳۷۶).

تأثیرات منظر بر سیمای شهری

مطالعات گوناگون نشانگر تاثیرات منظر شهری در شهرها است. منظر شهر متشکل از کلیه عناصر مصنوع و طبیعی موجود در یک شهر، اعم از بناها، فضاها، شهری، انسان‌ها، رفتارها و فعالیت‌هایشان، اتومبیل‌ها، انواع پوشش گیاهی و مظاهر طبیعی شهر، مبلمان شهری و ... به عنوان نتیجه‌ای از تاثیر و اثر متقابل عوامل شکل دهنده شهر و جامعه شهری است و در روحيات و رفتارهای انسان در محیط شهری تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر جای می گذارد. رهایی سریع از استرس‌های محیطی، خستگی روحی و بهبود سریع از بیماری‌های فیزیکی و در نهایت تاثیراتی که در بلند مدت بر رفتار انسان گذاشته می شود، از جمله تاثیرات مناظر شهری محسوب می شود (طیبیان ۱۳۷۶: ۴۳).

جامع ترین تأثیرات منظر را می توان در سیمای شهر جست و جو نمود. افزایش میزان سبزی‌نگی در تمامی سطوح شهری باعث کاهش تأثیرات استرس محیطی می شود. در مناطق پرتراکم شهری و مناطقی که مناظر طبیعی، کمتر به چشم می خورند و یا فاقد این مناظر هستند می بایست المان هایی را در نظر گرفت. تابلوها و نقاشی های خیابانی بر روی دیواره های ساختمان ها، پل ها، ستون ها و ... امروزه در برنامه ریزی شهری، جایگاه ویژه ای یافته اند، البته باید به این نکته توجه داشت که عدم توجه به انتخاب نوع این نقاشی های دیواری، می تواند با افزایش استرس های محیطی، نقش منفی ایفا نماید. تصاویر طراحی شده بر روی دیوارها باید امکان ایجاد سرگرمی مثبت که باعث ایجاد حس مثبت در فرد شده و موجب کاهش استرس و افکار آزاردهنده می شود، فراهم نماید. تنها نقاشی از مناظر طبیعی بر روی بیلبوردها و یا دیواره ها می تواند باعث آرامش و کاهش استرس شده و به عنوان سرگرمی مثبت عمل نماید و تصاویر مفهومی تبلیغاتی، تصاویر آبستره و انتزاعی، نتایجی منفی بر روی شهروندان خواهد داشت (هری ویگن، ۱۹۹۰).

تئوری کاپلن در افزایش خاصیت منظر شهری

کاپلن در سال ۱۹۹۵ با ارائه یک تئوری، چهار خصوصیت ویژه را برای مناظر شهری برشمرد که استفاده از آن در برنامه ریزی و طراحی، سبب افزایش تأثیرات منظر طبیعی می شود:

توان دور شدن از محیط های روزمره

محیط های طبیعی همچون پارک های شهری، جنگل ها و دریاچه ها، مکانی ایده آل برای تغییر در روند زندگی روزمره می باشند. این بعد روانی طبیعی، با ورود به یک پارک شهری و حتی با یک نگاه ساده از پنجره خانه و یا دفتر کار می تواند حاصل گردد و این بدین معنی است که مسئله دور شدن از محیط، تنها به معنای فاصله گرفتن از شهر نیست و حتی دید از پنجره نیز می تواند یکی از جنبه های این مقوله باشد. از این بعد روانی می توان نتیجه گرفت که دسترسی آسان و سریع به طبیعت، یک منبع مهم در کاهش استرس منجر به افسردگی می باشد.

توانایی جذب محیط

طبیعت و معماری منظر باید سبب جذب هر چه بیشتر مردم به محیط های طبیعی شود. اجزای طراحی طبیعت، همچون کاربرد درختان، آب و ... باید به گونه ای استفاده شود که محیط، هر چه بیشتر طبیعی جلوه نماید، بطوری که می توان گفت مناظر طبیعی همچون پارک ها، هرچه قدر ارگانیک تر طراحی شوند، در این بعد موفق تر خواهند بود.

ایجاد حس وسعت

به اعتقاد کاپلن منظر طبیعی شهر، باید به گونه ای طراحی شود که یک قطعه زمین کوچک نیز یک حسی از فراخی و وسعت عمل را القا نماید، زیرا در این حالت بالاترین تأثیر را بر روی مخاطبان خود خواهد گذاشت. وی این احساس را با استفاده از شیوه های مینیاتورسازی و ایده پردازی منظر ممکن می داند. باغ های ژاپنی، نمونه های عالی از یک دنیای بزرگ کیهانی می باشند که در قالب منظرسازی متجلی یافته اند.

همسازی و تطبیق

بسیاری از مردم کارهای روزمره خویش را به دور از طبیعت انجام می دهند، درحالی که طبیعت، ذاتاً خاصیتی تطبیق پذیر با برخی از امور فردی دارد و برآیند این امور در این محیط ها، به مراتب بیشتر است، برای مثال دویدن و یا پیاده روی در فضای باز از این دسته اند. طراحی منظر های شهری، همچون پارک ها بایستی توان برآوردن نیازهای طیف گسترده ای از افراد را

داشته باشند. برای مثال علاقه به آب بازی کودکان موردی است که می توان با در نظر گرفتن آن در روند طراحی به این نیاز پاسخ داد (کاپلان، ۱۹۹۵).

روش تحقیق

هدف از تحقیق حاضر مروری بر نقش آموزش شهروندی بر خلاقیت در سیما و منظر شهر می باشد. در این تحقیق جهت گردآوری اطلاعات در زمینه تنظیم مبانی نظری پژوهش، از منابع کتابخانه ای نظیر مقالات، بررسی پایان نامه ها و پژوهش های مرتبط با موضوع پژوهش و مطالعه متون تخصصی از طریق کتب، نشریات و جستجو در پایگاه های اطلاعاتی مورد دسترس، استفاده شده است.

نتیجه گیری

با توجه به ساختار جدید شهرها، به دلیل عدم تطابق و هماهنگی ساکنین آن با فرهنگ و اصول مورد نیاز جامعه نوین، هر روزه شاهد انبوهی از ناهنجاری های بصری هستیم که از قواعد شهرنشینی مدرن پیروی نمی کنند. بدیهی ست که دستیابی به شهری آراسته و آرام و به تبع آن شهروندانی سالم و پرنشاط بجز با فضاهای شهری موزون و برنامه ریزی و طراحی شده و هدفمند در سایه مشارکت و تعامل مردم و همت مسئولین و مدیران شهری امکان پذیر نیست و با نظر به این مهم که شهرها کامل ترین و جامع ترین شکل زندگی اجتماعی اند و پیشرفت های علمی، اقتصادی و هنری ما در بستر این محیط ها می تواند تحقق پذیرد. همه افرادی که به دنیا می آیند باید به عنوان یک شهروند شناخته شوند و از تمام حقوقی که در اعلامیه ی حق رشد و عهدنامه ی حقوق کودک مقرر شده است، بهره مند شوند. هر فردی به انواع گوناگونی از جوامع، از خانواده و جامعه محلی گرفته تا جامعه ملی و بین المللی و انسانی، متعلق است و باید از تمام حقوق خود در این جوامع بر خوردار باشد و مسئولیتهای شهروندی را بر عهده بگیرد (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

بنابراین همه ی آنان که در ایران یا از خانواده های ایرانی خارج از ایران به دنیا می آیند، شهروند ایران شناخته می شوند و باید از حقوق برابر با سایر هم وطنان خود و اعضای جامعه ی انسانی در سطح بین المللی بر خوردار باشند و به تدریج که رشد می کنند از حقوق ویژه کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان و سالخوردهگان بهره مند شوند.

شهروندی فعال و مسئولانه فقط به معنای تعلق به جامعه های گوناگون محلی و ملی و جهانی نیست بلکه به معنای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و نهادهای جمعی نیز هست. این مشارکت مسئولانه نیازمند استفاده درست و منصفانه و مراقبت کننده از منابع عمومی مادی و اجتماعی نیز هست. این مسئولیت های شهروندی منحصر به افراد نیست بلکه هر نهاد کوچک و بزرگ عمومی (اعم از خصوصی و دولتی) نیز وظیفه دارد حقوق سایر افراد و نهادها و مسئولیت های شهروندی خود را کاملا رعایت کند. به بیان دیگر، شهروندی فقط یک مقوله شخصی و فردی نیست بلکه می توان سطوح دیگری از شهروندی، نظیر " شهروندی خانوادگی " ، " شهروندی شغلی " ، " شهروندی فرهنگی " و نظایر اینها که در هر یک از موارد فرد دارای حقوق و مسئولیت های خانوادگی، شغلی و فرهنگی و امثال آن است، نیز در نظر گرفت.

منابع

- ✓ آقازاده، احمد، (۱۳۸۵)، اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزشها در کشور، فصل نامه نوآوریهای آموزشی.
- ✓ آشتیانی، ملیحه، فتحی وارجارگاه، یمنی دوزی سرخابی، محمد، (۱۳۸۵)، لحاظ کردن ارزشهای شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان، فصل نامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۱۷.
- ✓ بیتنام، دیوید، بویل، کوین، (۱۳۷۶) دموکراسی چیست (ترجمه ی شهرام نقش تبریزی). تهران: ققنوس.
- ✓ سلطانی، محسن، (۱۳۹۷)، آموزش شهروندی، حقوق شهروندی و مهارت های زندگی در مدارس با تاکید بر ضرورت و اهمیت آموزش، اولین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
- ✓ صائب نیا، سمیه، (۱۳۹۶)، مدیریت ارتباط با مشتری، انتشارات محقق اردبیلی، اردبیل.
- ✓ فرنودیان، فرج ا...، (۱۳۶۸)، محتوای درسی و پرورش خلاقیت دانش آموزان، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، سال پنجم، شماره ۷.
- ✓ لطف آبادی، حسین، (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزش دانش آموزان. فصل نامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۱۷.
- ✓ طبیبیان، منوچهر، (۱۳۸۲)، مولفه های محیط و منظر. محیط شناسی، ۲۹ (۳۰) ویژه نامه طراحی محیط))، صص ۳۷ - ۴۲.
- ✓ ناظمی، سیما، تقی نژاد هوراند، رعنا، غلامی علی آباد، مریم، نیک فلاح، فاطمه، (۱۴۰۰)، بررسی نقش خلاقیت در عملکرد تحصیلی دانش آموزان.
- ✓ Kaplan S. The Restorative Benefits of Nature: Toward an Integrative Framework Journal of Environmental Psychology 1995; 169-182. -Kaplan S. The Role of Nature In the Context of the Workplace. Landscape Urban Planning 1993: .201-193